

مسئولیت کیفری آرایشگران در قبال آسیب‌رسانی از منظر فقه و حقوق کنونی ایران

احمد مرادخانی*، فاطمه سادات طاهری**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۶)

چکیده

مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای و اسنادی درصدد تبیین مسئولیت کیفری آرایشگران در قبال آسیب‌رسانی به مشتری است فعل زینبار، وقوع خسارت، قاعده لاضرر از مهمترین شرایط ایجاد مسئولیت کیفری آرایشگران در قبال آسیب‌رسانی به مشتری می‌باشد. تحقق رابطه سببیت میان فعل آرایشگر و خسارت وارده به مشتری، شرط اساسی مسئولیت کیفری آرایشگران است که اعمال غیرمجاز و دخالت آن‌ها در حرفه‌های پزشکی، یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری آرایشگران بوده، به گونه‌ای که اکثر جرایم آرایشگران در عصر حاضر، در این خصوص می‌باشد که مجازات‌های بدنی و مالی و مجازات‌های انتظامی از مهمترین پاسخ سیاست کیفری ایران در قبال آسیب‌رسانی به مشتری است. در فقه به همان اندازه‌ای که جسم و جان اشخاص، مورد حمایت قرار گرفته، حقوق معنوی نیز مورد حمایت قانون‌گذار واقع شده است.

کلیدواژگان

آرایشگران، فقه اسلامی، مسئولیت کیفری.

* نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده تحصیلات تکمیلی گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: ah_moradkhani@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

آرایشگری حرفه‌ای در جهان به یک علم تبدیل شده و اصول خاص خودش را دارد. اما در کشور ما که این شغل عمدتاً به صورت حرفه‌ای نمی‌باشد، مشتری دستور می‌دهد که چه مدل مویی داشته باشد. بنابراین در انواع خدمات‌رسانی آرایشگران به مشتری ممکن است آرایشگران در حین خدمات‌رسانی، موجب ضرر به مشتری شوند، به گونه‌ای که اکثر گزارش‌ها حاکی است که امروزه این معضل یعنی آسیب‌رسانی به مشتری رو به فزونی و گسترش است، در قوانین ما هم متأسفانه مسئولیت کیفری آرایشگران به خوبی تبیین نشده است، برای تبیین آن به ناچار باید از مسئولیت کیفری سایر اصناف کمک گرفت که در مقاله حاضر مسئولیت کیفری آرایشگران در قبال آسیب‌رسانی به مشتری از منظر فقه و حقوق، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

شرایط ایجاد مسئولیت کیفری آرایشگران در قبال آسیب‌رسانی به مشتری

آنچه از مجموع آیات و روایات به وضوح استنباط می‌شود این است که شخصیت فکری، مذهبی و اجتماعی افراد دارای احترام ویژه‌ای است که باید از سوی دیگران محترم شمرده شود و همان‌طور که گفته شد در خصوص ایراد خسارت معنوی، حرمت است پس بر اساس حکم شرع و عقل، حکم تکلیفی حرمت بر اعمال موجب خسارت معنوی، ثابت می‌باشد. احکام شرعی در اصطلاح فقهی قانون‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نظر دین را در مورد هر کدام از رفتارهای انسان بیان می‌کنند. این قوانین و احکام دسته‌بندی‌های مختلفی دارند که رایج‌ترین آن‌ها احکام تکلیفی «واجب، حرام، مستحب، مکروه، و مباح» و احکام وضعی «صحیح، باطل، پاک، و نجس» هستند. (شاهرودی، ۱۴۲۶) بر این اساس تا وقتی که آثار زیان معنوی از زیان دیده زودده نشود، اثر حرمت باقی است و برای از بین بردن پایداری و ادامه‌ی زیان، باید زیان معنوی جبران شود و ضرورت جبران زیان معنوی ثابت است. طبق ماده ۱۴ شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از

قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید. از این رو در فقه به همان اندازه‌ای که جسم و جان اشخاص، مورد حمایت قرار گرفته، حقوق معنوی نیز مورد حمایت قانون‌گذار واقع شده است. در خصوص جایگاه خسارت معنوی و مضمون بودن آن از دید فقهی باید ملاحظات زیر را مدنظر قرار داد:

درست است که ضرر معنوی جایگاه شفافی در مآخذ فقهی ندارد، لکن نفی هم نشده است. به طوری که فقیهان شورای نگهبان قانون، درباره تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات اظهار داشته‌اند: «طرح دعوی خسارت معنوی، مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن است، اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی، مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب به آن در صورت مطالبه‌ی ذی‌حق لازم است. (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۸۷)

بر این اساس مفهوم ضرر نیز امری است که در خصوص آن عرف نظر می‌دهد. اکنون نیز عرف، خسارت معنوی را داخل در مفهوم ضرر می‌داند. بنابراین ضرر عرفاً عبارت از نقصی است که بر مال، آبرو و نفس انسان پدیدار می‌شود». (بجنوردی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۸). یکی از ویژگی‌های مسئولیت‌های حرفه‌ای دو بعدی بودن آن است؛ وقتی آرایشگری در حین آرایش مشتری خود موازین فنی و علمی را رعایت نمی‌نماید و موجب ورود ضرر به مشتری می‌شود، از یک طرف آرایشگر به تعهدات قراردادی خود عمل ننموده است و مسئولیت قراردادی دارد و از طرف دیگر عمل آرایشگر نقض مقررات امره شغلی نیز محسوب می‌شود و مسئولیت قهری و چه بسا مسئولیت کیفری به دنبال دارد. (شجاع پوریان ۱۳۸۹، ص ۵۰) البته تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.

از طرفی انجام برخی اعمال غیرمجاز ممکن است در پاره‌ای از موارد موفقیت آمیز نباشد و منجر به ضرر مادی یا معنوی مشتری گردد. از این رو تحلیل مسئولیت مدنی و کیفری آرایشگر در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است. به ویژه این که در خصوص تعهدات آرایشگر در این مورد استثنائاتی بر قواعد عمومی آرایشگر ملاحظه می‌گردد. چالشی که اکثر دعاوی

آرایشگری در مورد عمل زیبایی و ترمیمی با آن مواجه است اعمال معیار نوعی یا معیار شخصی در خصوص خسارات وارده شده است. ممکن است میان مشتری و آرایشگر اختلافی حادث شود. مشتری مدعی گردد که عمل زیبایی بر طبق میل و خواسته وی انجام نشده است و وی زیبایی مورد انتظارش را به دست نیاورده است و در مقابل آرایشگر مدعی شود عمل زیبایی بر طبق اصول آرایشگری انجام شده است. (طباطبائی، ۱۳۹۳، صص ۱۶۳-۱۹۰)

رابطه‌ی سببیت میان فعل زیان بار و خسارت

تردیدی نیست که صرف تحقق ضرر یا وقوع فعل زیان بار موجب مسئولیت مدنی آرایشگر نمی‌گردد بلکه تحقق رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت شرطی اساسی است. رویه قضایی کشورهای تابع نظام کامن‌لا حاکی از این مساله است. هر گاه مشخص گردد که مشتری با آگاهی از خطرات احتمالی ناشی از عمل زیبایی به استقبال خطر رفته، مطالبه خسارت منتفی نخواهد بود. به عبارت دیگر، در این مورد آگاهی مشتری از خطرات احتمالی عمل زیبایی موجب قطع رابطه‌ی سببیت نمی‌گردد. تبصره یک ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «... هر گاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض و پرستار است» این تبصره را نمی‌توان در خصوص اعمال عمل زیبایی اعمال نمود چرا که رضایت مشتری به انجام عمل زیبایی ناقض مسئولیت حرفه‌ای آرایشگر در این مورد نیست. (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). برای تحقق این مسؤولیت عناصر سه‌گانه‌ی نیاز است که عبارتند از: فعل زیان بار، وقوع خسارت و رابطه‌ی سببیت میان عمل زیان بار و وقوع خسارت که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم:

فعل زیان بار

وقوع فعل زیان بار یکی از شرایط تحقق مسئولیت مدنی و کیفری آرایشگر زنانه است. اجرای عمل زیبایی به شکل نادرست، کاهلی و قصور در درمان، به کار بردن وسایل ایمنی سالم، در طول آرایشگری، تأخیر در انجام عمل (در مورد عمل زیبایی ضروری)، بیان توصیه‌های نامناسب به

مشتری پس از درمان و غیره از مصادیق فعل زیان بار هستند. وقوع فعل زیان بار می‌تواند به صورت فعل (انجام نامطلوب عمل زیبایی) یا ترک فعل (خودداری از ارائه توصیه‌های لازم به مشتری پس از عمل زیبایی) باشد. یکی از موارد مبتلا به فعل زیان بار، موردی است که آرایشگر در انجام عمل زیبایی به نحو مناسب، قصور می‌ورزد.

وقوع خسارت

بی تردید وقوع ضرر شرط تحقق مطالبه خسارات است و متضرر باید اثبات نماید که عمل آرایشگر منجر به بروز خسارت گردیده است. بدیهی است که خسارات وارده به متضرر شامل خسارات مادی و معنوی است. خسارات مادی مواردی از قبیل ناتوانی جسمی، از دست دادن توانایی فیزیکی، عدم رفع عیب و نقص و هر گونه آسیب ظاهری است و زیان‌های معنوی نیز بحران‌های روحی و پریشانی‌های معنوی ناشی از عمل زیبایی نامناسب است. مساله‌ای که در این خصوص تامل برانگیز است ملاک ورود آسیب و خسارت در شخص مشتری است. آیا در خصوص خسارات وارده باید ملاک شخصی را مورد لحاظ قرار داد یا ملاک نوعی است؟ پاسخ به پرسش مزبور از این جهت واجد اهمیت است که در برخی موارد ممکن است آرایشگر عمل غیرمجاز را موفقیت آمیز بداند اما مشتری مدعی حفظ عیوب و نواقصی شکلی باشد یا وی معتقد باشد که عمل زیبایی آن گونه که وی گمان می‌کرده انجام نشده است.

در صورتی که مشتری انجام عمل آرایش را به شیوه خاصی در خواست کرده باشد انجام عمل زیبایی به آن شیوه خاص آرایشگر را از مسئولیت معاف می‌کند و چنانچه مشتری مدعی خلاف این امر باشد باید اثبات کند که نتیجه عمل آرایشگر بر طبق قرارداد نبوده است. به عبارت دیگر، در ابتدا باید در صورت وجود قراردادی برای انجام عمل زیبایی به شیوه‌ای خاص، نخست باید ضابطه شخصی را مورد لحاظ قرار داد. اما در صورتی که مشتری انجام عمل زیبایی را به شیوه خاصی در خواست نکرده باشد و قرارداد در این خصوص مسکوت باشد باید اصول حرفه‌ای آرایشگری را مورد لحاظ قرار داد و بررسی نمود آیا از منظر اصول متعارف آرایشگری ضرری بیه مشتری وارد گردیده است؟

۱. مسئولیت آرایشگران مبتنی بر قصور و تقصیر

یکی از حرفه‌های موجود در جامعه آرایشگری، اعمالی است که با سلامتی و حیات انسان سر و کار دارد. قواعد مسئولیت در این مشاغل به نحوی تدوین شده اند که از یک سو چنان سخت گیرانه نباشند که تمایل افراد را در بر عهده گرفتن این مشاغل کم کنند و از سوی دیگر حقوق مشتریان را تامین کنند و دست آرایشگران را بر اعمال هر آسیبی بر مشتریان باز نگذارند. به همین دلیل، نوعی وضعیت بینابینی و تعادل میان حقوق مشتریان و کادر آرایشگری پیش بینی شده است. اما در میان مشاغل آرایشگری، اعمال زیبایی موضوع تنش برانگیزی هستند که نحوه تعیین مسئولیت در آنها جای سوال دارد.

۲. تقصیر و خطا در فعل آرایشگران

ایجاد فرض تقصیر منوط به نص است. اصل، عدم وجود فرض تقصیر برای شخص یا اشخاص است مگر به حکم قانون. مضافاً وجود فرض تقصیر، همراه با تعهد به وسیله، جمع دو نقیض و محال است زیرا چگونه ممکن است شخصی تعهدی به حصول نتیجه نداشته باشد و در عین حال در صورت بروز خسارت برای رهایی از مسئولیت باید بی تقصیری خویش را اثبات کند. هر گاه بر طبق عرف و عادت مسلم انجام تعهد جنبه احتمالی داشته باشد به گونه ای که نمی توان مطمئن گردید که متعهد به طور قطع اقدام به ایفاء تعهد می نماید باید تعهد را تعهد به وسیله دانست اما چنانچه در غالب موارد تلاش متعهد برای اجرای تعهد به نتیجه می رسد و چگونگی رسیدن به نتیجه داعی طرفین نیست تعهد متعهد تعهد به نتیجه است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۲) طبق اصول حرفه ای آرایشگری در غالب موارد عملیات زیبایی، آرایشگر متعهد به حصول نتیجه مورد نظر است و تلاش برای رسیدن به هدف مقصود طرفین نیست. به عبارت دیگر، در اکثر موارد آرایشگر به طور قطع مکلف به آرایش است و طبیعت تعهد به گونه ای است که تعهد در صورت عدم حدوث واقعه غیر قابل پیش بینی به وقوع می پیوندد. با وجود این، در برخی از اعمال زیبایی کامیابی و موفقیت آرایشگران در تحقق نتیجه به دلایلی همچون نارسایی علم روز آرایشگری با تردیدهایی مواجه است به گونه ای که نمی توان تعهد آرایشگر را در این موارد تعهد به نتیجه پنداشت. البته این موارد در حرفه آرایشگری درصد کمی را تشکیل می دهند. بنابراین به عنوان

یک قاعده باید پذیرفت که اصل بر این است که تعهد آرایشگر در عمل زیبایی‌تعهد به نتیجه است مگر در پاره ای موارد که بر طبق طبیعت تعهد و عرف آرایشگری تعهد به وسیله می باشد. موارد زیر می تواند مؤید این نظر باشد:

الف) در اعمال عمل زیبایی و ترمیمی، رعایت شرط تناسب در انجام عمل زیبایی شرط است. شرط مزبور بدان معناست که آرایشگر هنگامی باید مبادرت به عمل زیبایی نماید که مزایا و منافع آن بیش از درصد عدم موفقیت و ضررهای آن باشد. بنابراین آرایشگر جز در مواردی که شرط مزبور محقق است از انجام عمل آرایشی امتناع کند چرا که آرایشگر عرفاً مکلف به تحقق نتیجه است و عرف انجام موفقیت در انجام زیبایی را از وی مطالبه می کند مگر در موارد استثناء.

ب) مشتری به دنبال حصول نتیجه (کسب یا بازگرداندن زیبایی) است. شیوه تحقق نتیجه برای وی مورد لحاظ نمی باشد. آرایشگر نیز مکلف به حصول نتیجه است. دقت در ماهیت و تعهد آرایشگر حاکی از این است که تلاش برای حصول نتیجه کفایت نمی کند بلکه باید نتیجه مورد نظر را حاصل نماید مگر در موارد استثناء هنگامی آرایشگر مسوول خسارات وارده شناخته می‌شود که میان خطای او و فعل زیان بار، رابطه علیت وجود داشته باشد. رابطه علیت میان خطاء و ضرر، یا به مباشرت است یا به تسبیب. حکم به ضمانت آرایشگر از نظر برخی از علماء متفاوت است. خوانساری، معتقد است که هرگاه پزشک به مشتری دارویی بدهد و اتفاقاً منجر به مرگ یا نقص عضو مریض شود، چون آرایشگر مباشر اتلاف نیست حکم به ضمان او مشکل است. اما اگر پزشک خود مباشر باشد، بدین نحو که او خود به مشتری دارو را بنوشاند و یا خود رگ مشتری را بزند یا آمپول تزریق کند وی جراحی کند، در این صورت چون تلف مستند به فعل آرایشگر است؛ با استناد مقتضای قاعده ضمان و نیز روایاتی مانند روایت ابراهیم ابن هاشم از نوفلی از سکونی از حضرت علی علیه السلام که دلالت بر ضمان ختنه کننده دارد، حکم به ضمان آرایشگر داده می‌شود. (خوانساری، ۱۴۰۵ هـ.ق، ص ۱۸۸) حسینی روحانی نیز فقط مباشرت پزشک در منجر به فوت مشتری شود، موجب ضمان نیست. (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۲۰۱) با تأمل در موارد فوق می‌توان دریافت عمل آرایشگران را در حین انجام آرایشگری همانند پزشک دانست.

عدم رعایت قاعده تناسب

به عنوان ملاک درستی انجام، «قاعده تناسب» قاعده‌ای به نام عمل زیبایی مورد نظر قرار گرفته است. بر اساس این قاعده، باید میان منافع حاصل از عمل زیبایی و ترمیمی و خطرات ناشی از آن یک تناسب معقول وجود داشته باشد، تا بتوان قائل به جواز انجام عمل گردید همین تلقی را در میان نظرات فقهای امامیه در رابطه با عمل زیبایی که صحت آن را منوط به عدم خطر و عوارض شدید دانسته اند، می‌توان مشاهده کرد. در واقع با عدم رعایت قاعده تناسب، عمل زیبایی می‌تواند واجد وصف مشروعیت مندرج در بند ج ماده ۱۵۸، گردد و نتیجتاً قابل کیفر خواهد بود.

بنابراین با توجه به این قاعده، عمل آرایشگران نمی‌تواند عملی را که در آن خطرات و عوارض قابل توجهی وجود دارد، به انجام برسانند، چراکه منافی است از انجام جراحی حاصل شود به هیچ وجه نمی‌تواند توجیه کننده مخاطرات آن باشد، البته در فرضی که عمل زیبایی صورت می‌گیرد و متقاضی انجام زیبایی به واسطه اختلال بارز شکلی، دچار عسر و حرج گردیده است، می‌توان تا حدی مخاطرات ناشی از عمل را پذیرفت، اما در جایی که فردی با ظاهر طبیعی و برای رسیدن به زیبایی بیشتر به عمل زیبایی روی می‌آورد، نمی‌توان یک جراحی پرخطر را شروع نمود. بنابراین در چنین مواردی آرایش، نه تنها به دلیل مشروع نبودن عمل خود، بلکه حتی به واسطه عدم رعایت موازین فنی و علمی، وفق بند ج از ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، مسؤولیت کیفری داشته و حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد گردید.

بدیهی است در این موارد نفس شروع عمل آرایشگران، جرم است و دیگر تفاوتی نخواهد نمود که در حین عمل، آرایشگر مرتکب بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی شده است یا خیر؟ و به همین خاطر نمی‌توان با استناد به ابتدای ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی، سببیت تقصیر آرایشگر در تلف یا صدمه بدنی را در مقام عمل آرایشگری، برای تحقق مسؤولیت کیفری وی ضروری دانست.

علاوه بر این به نظر می‌رسد که در صورت ورود ضرر به مشتری و شکایت او، آرایشگر، باید از عهده اثبات این امر که قاعده تناسب را رعایت نموده است برآید. (دریاباری، ۱۳۸۰، ص ۹۴)

ممکن است خانمی پس از عمل آرایشگری ادعا نماید که آرایشگر از مواد شیمیایی استفاده نمود و آن مواد شیمیایی موجب عفونت صورت و به وجود آمدن لکه‌های زیادی در صورت او شده است در اینجا باید آرایشگر اثبات نماید که علت عفونت صورت او و یا وجود آمدن لکه‌های زیاد در پوست ایشان به خاطر امراض قبلی ایشان است.

جرایم مرتبط با اعمال عمل غیرمجاز

جرایمی که به واسطه اعمال زیبایی و آرایشگر ارتکاب می‌یابند، ریشه در نقض تکالیف قانونی دارند و از آن‌ها با عنوان جرم یاد می‌شود، چراکه در قانون مجازات اسلامی به تخلفات و تقصیر پزشکی و سایر اشخاص که از آن‌ها می‌توان مجازات و جرایم آرایشگران را هم استنباط نمود. توجه شده و تقصیر آرایشگر به هر دلیلی از آنجا که با جان و تمامیت جسمانی افراد سر و کار دارد، توسط قانونگذار جرم انگاری شده است، اما در رابطه با عمل زیبایی، با عنایت به ویژگی‌های این اعمال و خصوصاً تردیداتی که از حیث ضرورت و به تبع آن مشروعیت آنان مطرح می‌شود، یکسری از جرایم توسط آرایشگر، قابلیت وقوع را خواهند داشت که ریشه اکثر این جرایم نیز در عدم توجه (تقصیر) نسبت به ضوابط شرعی، قانونی و حرفه‌ای در مرحله پیش از عمل، حین عمل و پس از عمل زیبایی می‌باشد. با این وجود فرض ارتکاب جرایم عمدی عام و خاص نیز کماکان وجود خواهد داشت.

نقض تعهد تشدید یافته درمان

رابطه میان آرایشگر و مشتری از یک منظر، یک نوع رابطه قراردادی است که به دلیل اهمیت این رابطه و ریشه آن در نظم عمومی مورد حمایت حقوق موضوعه ایران قرار گرفته و نقض آن، قابل مجازات دانسته شده است. در بحث مسئولیت مدنی، تعهدات به تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله تقسیم شده و تعهد قراردادی آرایشگر در برابر مشتری به عنوان نمونه بارز و سنتی شمرده می‌شود و اجماع بر این منعقد شده است که تعهد آرایشگر در عمل آرایشی، وسیله خواه قراردادی با مشتری داشته باشد یا نداشته باشد، تعهد به وسیله است این تعهد که به تعهد مواظبت و محافظت

نیز مسمی گردیده عبارت است از: تعهد به انجام تلاش عالمانه و کوشش لازم جهت رسیدن به نتیجه‌ای که مقصود مطلوب تعهد و قرارداد است و در مقابل تعهد به نتیجه یا غایت قرار میگیرد که در آن حصول نتیجه‌ای که مقصود (مطلوب) تعهد و قرارداد است، بر عهده متعهد قرار گرفته است در واقع در ارتباط با عمل آرایشی آرایشگر چه قراردادی میان آرایشگر و مشتری وجود داشته باشد و چه نداشته باشد، در هر صورت تعهد و تکلیفی که از این رابطه حقوقی برمی‌خیزد، نشانگر یک تلاش و کوشش در راه رسیدن به هدف است نه اینکه خود هدف و مقصود مورد تعهد باشد. به خاطر همین ویژگی اعمال آرایشگری است که مسؤولیت آرایشگر نیز در قانون، مبتنی بر تقصیر دانسته شده است، چراکه در واقع فرد مقصر، با بی احتیاطی و بی مبالاتی خود همه کوششی که لازم بوده است را برای به دست آوردن نتیجه مورد نظر، انجام نداده است.

از سیاق ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز، اماره تقصیر قابل استنباط است، هر چند این ماده مربوط به مسؤولیت پزشک می‌باشد، ولی می‌توان آن را برای مسؤولیت کیفری آرایشگران نیز تطبیق داد. بدین معنی که برای رهایی از مسؤولیت، آرایشگر می‌تواند عدم تقصیر خود را اثبات کند، چنانکه ثابت کند مقررات آرایشگری و موازین فنی را کاملاً رعایت کرده و مرتکب هیچگونه بی احتیاطی نشده است. اما هرگاه آرایشگر از مشتری یا ولی او براءت اخذ کرده باشد و به عبارت دیگر عدم مسؤولیت خود را شرط نموده باشد بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده خواهد بود. بنابراین شرط براءت از ضمان، آرایشگر را از مسؤولیت در صورت اثبات تقصیر معاف نمیکند و فقط بار اثبات را جابجا میکند، بدین معنی که اگر براءت از ضمان اخذ نشده باشد، بار اثبات عدم تقصیر بر دوش آرایشگر است و در صورت اخذ براءت بار اثبات بر عهده زیان دیده است.

با این توصیف، در حالت عادی، تعهد آرایشگران، یک تعهد به وسیله تشدید یافته (به واسطه نیاز اثبات عدم تقصیر توسط آرایشگر) میباشد که در صورت اخذ براءت، این شدت نیز از آن برداشته میشود. حال سؤالی که مطرح میشود این است که آیا در اعمال زیبایی نیز تعهد آرایشگر چنین است و به بیانی دیگر مبتنی بر تقصیر است؟ برخی از نویسندگان در بحث از تعهدات پزشکان، تعهد موجود در جراحی زیبایی را (برخلاف جراحی ترمیمی که در آن ضرورت درمانی

وجود دارد) از نوع تعهد به نتیجه میدانند و مسئولیت آرایشگر را در آن، یعنی حتی در فرضی که آرایشگر در جراحی مسئولیت نوعی و محض قمداد می‌کنند. زیبایی بتواند عدم تقصیر خود را هم به اثبات برساند، مسؤول خسارات وارده به مشتریان خود می‌باشد. چنین برداشتی البته با توجه به نص صریح قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی سازگار نخواهد بود، خاصه اینکه استثنا نمودن عمل زیبایی از این حکم قانونگذار نیاز به نص علی‌حدهای دارد.

لیکن به طور کلی می‌توان گفت، با توجه به اینکه دلیل اصلی استنای مسئولیت آرایشگر بر تقصیر، ضرورت این امر به واسطه نیاز جامعه است و اگر مسئولیت آرایشگران مبتنی بر تقصیر نباشد، باعث بازداشتن آن‌ها از عمل آرایشگری و عدم پیشرفت علم آرایشگری خواهد شد و نیز با توجه به اوصافی که در جراحی‌های زیبایی (از جمله انتخابی، اختیاری) وجود دارد، دیگر دلیلی وجود ندارد تا بتوان به آرایشگران اختیار داد، در بدن افرادی که غالباً لااقل از لحاظ جسمی سالم به حساب می‌آیند، دخل و تصرف نموده و بی‌آنکه عواقب کار خود را بپذیرند، از مسئولیت، شانه خالی کنند.

بنابراین مناسب‌ترین نظر در مورد تعهد آرایشگران، تعهد به وسیله تشدید یافته است، چراکه از یکسو با واقعیت‌های علمی منطبق بوده و از دیگرسو تأمین‌کننده حقوق متقاضی عمل زیبایی است. تعهد به وسیله تشدید یافته مشابه همان فرض تقصیری است که در ماده ۴۹۵ برای پزشکانی که اخذ براءت نموده‌اند، در نظر گرفته شده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد باید لااقل عمل زیبایی را ولو اینکه از فرد متقاضی براءت گرفته باشند، در صورت ورود ضرر مسؤول دانسته و آن‌ها را مکلف نمود که علاوه بر اثبات رعایت قاعده تناسب، رفتار متعارف خود را در حین انجام جراحی و پس از آن، به اثبات برسانند و در صورتی که از عهده این مهم برنایند یا به هر نحوی ثابت شود که تقصیر نموده‌اند، مسئولیت کیفری خواهند داشت.

انجام برخی اعمال بدون صلاحیت قانونی

برخی اقدامات که به وسیله آرایشگر صورت می‌گیرد در واقع نوعی تصرف در جان دیگری است. بنابراین برای انجام این کار، آرایشگر باید صلاحیت و مهارت علمی و عملی لازم را داشته

باشد. این شرط در فقه نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته و فقها در ضامن دانستن طیب غیر حاذق تردید نورزیده اند، حتی در مورد آن ادعای اجماع شده است بنابراین یکی از مظاهر معنایی دیگر واژه «مشروعیت» در بند ج ماده ۱۵۸، همین داشتن صلاحیت علمی و عملی برای انجام عمل جراحی می باشد. همچنین بایستی کی از مصادیق عنوان کلی «موازین فنی» در ماده ۴۹۵ را، داشتن صلاحیت فنی انجام عمل جراحی دانست. به علاوه این که تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، عدم مهارت را در کنار مسامحه، غفلت و عدم رعایت نظامات دولتی و... از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی می‌داند.

اما با توجه به حساسیت‌هایی که در حرفه آرایشگری وجود دارد، نمی‌توان این صلاحیت قانونی را تنها در داشتن پروانه آرایشگری معنا نمود، بلکه باید هر آرایشگر، صرفاً در زمینه یا زمینه‌هایی که دارای تخصص می‌باشد به فعالیت بپردازد، اما متأسفانه شاهد آن هستیم که استقبال عامه از آرایشگران و وجود منفعت مالی در آرایشگری در سال‌های اخیر موجب شده که خانم‌های متعددی به سمت انجام این آرایشگری سرازیر شوند. برای نمونه در مورد تاتو کردن ابرو به عنوان یکی از رایج‌ترین انواع عمل آرایشی در ایران «به علت انجام مکرر آن در کشور تقریباً افرادی که بدون اطلاع کافی خود را متخصص در این زمینه می‌بینند، بسیار افزایش یافته است.»

این در حالی است که اصولاً در برخی موارد هیچ منع قانونی صریحی برای انجام فعالیت آرایشگران غیر متخصص در این زمینه وجود ندارد. تا آنجا که مشاهده میشود، محدوده صلاحیت قانونی متخصصان آرایشگران زنانه در گستره اعمال زیبایی و ترمیمی، معین نگردیده یا اینکه به درستی به اجرا در نمی‌آید. بنابراین اگرچه میتوان با تمسک به عموماً مواد قانون مجازات اسلامی (که در بالا ذکر شد) و نیز برخی از مواد قوانین و مقررات پزشکی (از جمله ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی و ماده ۲۹ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی)، مسؤولیت کیفری و انتظامی برای کسانی که بدون داشتن صلاحیت کافی مبادرت به انجام جراحی‌های زیبایی و ترمیمی می‌نمایند، قائل گردید، لیکن با توجه به اهمیت این مسأله و لزوم جرمانگاری پیرامون تعدی به تمامیت جسمانی افراد، شایسته است که این امر با تصویب قوانین درخور، مورد توجه مقنن قرار گیرد، اما به هر حال هر عمل زیبایی که موجب

خسارت شود و مشخص گردد که تخصص یا مهارت کافی نداشته، بر طبق قانون مقصر و مجرم به حساب خواهد آمد.

تقصیر در اطلاع‌رسانی کامل و کسب رضایت آگاهانه

با توجه به خصیصه انتخابی و اختیاری بودن عمل زیبایی و ترمیمی، ضمن اینکه در هر مرحله باید اطلاع‌رسانی کامل به مشتری یا متقاضی جراحی صورت گیرد، کسب رضایت آگاهانه نیز از تکالیف مهم آرایشگران در این زمینه به شمار می‌رود که در صورت نقض یا کوتاهی در هر یک از آن‌ها و بروز خسارت، آرایشگر در دام مسئولیت گرفتار خواهد شد.

اتهامات و دعاوی مرتبط با رضایت در تقابل با آرایشگران چنان فراگیر می‌باشند که در پاره‌های از موارد، تعداد آن‌ها بیشتر از دعاوی ناشی از غفلت آرایشگری است. در آمریکا، شبه جرم فقدان رضایت آگاهانه، در بسیاری از حوزه‌های قضایی، به وسیله قانون یا رویه قضایی تعریف شده است و بدین وسیله از جرم غفلت آرایشگری عادی، متمایز گردیده‌اند. در دیگر حوزه‌های قضایی نیز، این جرم صرفاً مصداق و صورتی از جرم غفلت آرایشگری است، اما در تمامی حوزه‌ها، این مسأله، امری پذیرفته است که واقعه یا نتیجه‌ای که اعلام نشده، باید واقع شود و سبب نزدیک آسیب به مشتری باشد.

در حقوق ایران هم اگرچه این تکلیف به موجب نص صریح قانون، بر عهده آرایشگران قرار داده نشده است، لیکن با توجه به ضوابط و موازین فنی حاکم بر این اعمال، میتوان آن را امری مفروض و مبتنی بر قواعد عام قانونی، تلقی نمود.

این حقیقت است که آرایشگری، میزان بالایی از دعاوی مرتبط با اعمال آرایشگری را به خود اختصاص می‌دهد، لیکن باید دانست که اکثر دعاوی خطای آرایشگری در جراحی زیبایی ناشی از تقصیرات فنی نمی‌باشند، بلکه به واسطه نامناسب بودن ملاک‌های انتخاب شده توسط مشتری و فقدان ارتباط کافی میان مشتری و جراح می‌باشد بر این اساس «عمل آرایشگری، استانداردهای مرتبط با وظیفه رضایت‌گرفتن از مشتری بسیار مهم و حیاتی است.»

این اهمیت مضاعف در آگاهسازی و اخذ رضایت در عمل زیبایی توسط آرایشگر باعث شده

تا آرایشگر نه تنها دارای یک تعهد قراردادی (و یا قهری) نسبت به آگاه‌سازی مضاعف باشد، بلکه باید ثابت نماید که این تعهد خویش را به نحو کامل ایفا نموده است. رویه قضایی در فرانسه این نتیجه را القا می‌کند که آرایشگر باید ثابت نماید که تعهد آگاه‌سازی خویش را به طور گسترده به انجام رسانیده است.

«در واقع هر انسان بالغ و عاقل و واجد اهلیتی باید نسبت به هر گونه روش درمانی که برای او در نظر گرفته اند، از قبل آگاه و راضی باشد و بدیهی است که بدون کسب رضایت او چنین عملی ضرب و جرح و جرم محسوب می‌گردد»، اما این رضایت تنها در صورتی می‌تواند کاشف از قصد حقیقی مشتری به پذیرش درمان باشد که توأم با یک تکلیف حرفه‌ای دیگر، یعنی آگاه‌سازی کامل، گردد، چراکه مشتری تنها در شرایطی میتواند یک تصمیم مناسب و منطقی را اخذ نماید که اطلاعات کامل در ارتباط با درمان مورد نظر و کلیه مسائل پیرامون آن را تحصیل نموده باشد و همان گونه که متخصصین امر گفته اند، رضایت آگاهانه، جایگاه رفیعی در حرفه آرایشگری دارد و پیشزمینه برآورده شدن اصل اتونومی یا استقلال مشتری است، لیکن این محدودیت نیز در آن وجود دارد که بر اساس دو اصل سودمندی و آسیب نرساندن، جراح باید از انجام عملی که میداند برای متقاضی جراحی از لحاظ حرفه‌ای معقول نیست، اجتناب ورزد، ولو اینکه در برابر اصرار فرد متقاضی قرار گیرد و در اینجا دیگر استناد به رضایت آگاهانه سودی نخواهد داشت، چراکه وظیفه رعایت قاعده تناسب انجام نشده است.

عناوین مجرمانه خاص

به جز مواردی که در بندهای پیشین به عنوان جرائم مرتبط با اعمال زیبایی بیان گردیدند و عمدتاً جرائم غیر عمدی مبتنی بر تقصیر میباشند. همچنین فارغ از جرائم عمدی (مانند قتل یا ضرب و جرح عمدی) که به طور عام در اعمال زیبایی نیز قابل وقوع می‌باشند، می‌توان به یکسری از عناوین مجرمانه خاص، نیز اشاره نمود که نوعاً در رابطه با این اعمال، قابلیت تحقق دارند. از جمله این جرائم میتوان از فریفتن و اغوای مشتری، تبلیغات گمراه کننده و افشای اسرار و نقض حریم خصوصی نام برد.

خصوصاً با توجه به مزایایی که در انجام زیبایی وجود دارد، زمینه سودجویی و زیر پا گذاشتن

اخلاق آرایشگری در آن بسیار فراهم است که بایستی چنین اعمالی را با توجه به قانون مجازات اسلامی اگر منجر به خسارت جانی شود، مورد مجازات قرار داد و در غیر این صورت هم حسب مورد مرتکبین را به مجازات‌های کیفری و انتظامی معین در قوانین و مقررات رساند. به ویژه این که چنین عناوینی اغلب در دایره شمول عباراتی چون «عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات صنفی و حرفه ای و شغلی ...» (تبصره یک ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) قرار می‌گیرد و می‌تواند مرتکب را مستحق کیفرهای مقرر قرار دهد.

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم ناشی از اعمال غیرمجاز آرایشگران

ضمانت اجراهای گوناگونی برای جرائم مختلفی که در ارتباط با عمل زیبایی از سوی آرایشگران ارتکاب می‌یابند، در قوانین موجود، قابل مشاهده است. از میان اینها نهاد دیه مهمترین ضمانت اجرای کیفری جرائم غیرعمدی آرایشگران است که در ماده ۴۹۵ قانون جدید مجازات اسلامی به آن تصریح شده است، لیکن به طور محدود میتوان از سایر مجازات‌ها نیز با توجه به کیفیت ارتکاب جرم سخن گفت، ضمن اینکه مسئولیت انتظامی آرایشگران، میتواند کیفرهای ویژه‌ای برای آنان به دنبال داشته باشد که مهمترین آنها انفصال و محرومیت از اشتغال به حرفه‌های آرایشگری است.

مجازات‌های مالی

مجازات مالی عبارت است از ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به عنوان مجازات جرم ارتكابی مقرر میکند. دو چهره از مجازات مالی را در قانون مجازات اسلامی مشاهده میکنیم؛ اولی نهاد دیه است که البته هنوز هم در مورد مجازات بودن آن تردیدهایی می‌شود و دومی جریمه نقدی است که قانونگذار در مقابل ارتکاب برخی از جرائم مقرر داشته است. با توجه به اهمیت مجازات‌های مالی و خصوصاً دیه در بحث از مسئولیت کیفری آرایشگران، در قالب دو عنوان به توضیح این دو مجازات و نحوه اعمال آنها در جرائم ناشی از جراحی‌های زیبایی خواهیم پرداخت.

دیه

مرسوم است که در دعاوی ناشی از خسارات آرایشگری، دیه به عنوان مهمترین ضمانت اجرایی از سوی دادگاه‌ها مورد حکم قرار می‌گیرد و با توجه به جنایتی که بر عضو مربوطه (و یا نفس) صورت گرفته، بر اساس مواد قانون مجازات اسلامی، پزشک جراح یا تیم پزشکی (جراح همکار، متخصص بیهوشی، دستیار پزشک و سایر عوامل دخیل) به طور واحد یا مجتمعاً (نسبت به میزان تقصیر ارتكابی) مسؤول پرداخت دیه قرار می‌گیرند. در یکی از آرای قضایی صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی تهران، چنین مقرر گردیده است.

اما چالشی که در ارتباط با عمل زیبایی وجود دارد و دادگاه‌ها نیز در مواجهه با آن دچار سردرگمی می‌شوند، نوع زبان‌های وارده در این قسم از اعمال می‌باشد. در این ارتباط دو مشکل اساسی وجود دارد؛ اول اینکه میزان دیه‌ای که در قانون مشخص شده است، ممکن است جبران حقیقی خسارات وارد شده بر متقاضی جراحی را ننماید و دوم اینکه در مواردی ممکن است صدمه یا خسارت عینی وجود نداشته باشد، اما به لحاظ ناموفق بودن نتیجه زیبایی به نسبت وضعیت اولیه فردی که مورد زیبایی قرار می‌گیرد، علیه آرایشگر شکایت شود. حال باید دید در این دو فرض چه راهکاری را میتوان در سیاست قضایی اتخاذ کرد. (رضایی، ۱۳۹۲)

جریمه نقدی

در قوانین جزایی مجازات‌های نقدی متعددی در مورد پاره‌ای از جرائم مرتبط با اعمال آرایشگری، پیشبینی شده است. از جمله این موارد می‌توان به مجازات مندرج در ماده ۶۴۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) در رابطه با جرم افشای اسرار از سوی پزشکان و جراحان و... اشاره نمود. بنابراین چنانچه هر یک از جراحان زیبایی و ترمیمی یا دستیاران و همکاران آن‌ها نسبت به افشای اسرار متقاضیان جراحی (اعم از عکس و مدارک جراحی یا افشای عمل جراحی اشخاص مشهور) اقدام نمایند، ممکن است به مجازات مقرر در این ماده گرفتار شوند. همچنین با توجه به ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۷۵) قانون مربوط به مقررات امور آرایشگری، دارویی، مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴، در صورتی که اشخاص بدون صلاحیت

در مشاغل آرایشگری مداخله نمایند، علاوه بر مجازات‌های دیگر مقرر در ماده، به مجازات پرداخت جریمه نقدی از پنج میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال و در صورت تکرار جرم به جریمه تا صد میلیون ریال محکوم خواهند شد.

اما فارغ از این مجازات‌ها که به عنوان مجازات‌های اصلی جرائم مربوطه توسط قانونگذار قرار داده شده اند، جنبه‌ای دیگر از مجازات جریمه نقدی در موارد قصور آرایشگری قابلیت تصور خواهد داشت. توضیح اینکه براساس ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) که علیرغم تصویب قانون جدید مجازات اسلامی (بر اساس ماده ۷۲۸ این قانون)، کماکان قابلیت اجرایی دارد، امکان صدور حکم حبس برای پزشکانی که به واسطه بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و یا به سبب عدم رعایت نظامات، مرتکب قتل غیر عمد شوند، وجود خواهد داشت. در گذشته منوال بر این بوده که قضات در صورت احراز تقصیر آرایشگر در چنین مواردی، علاوه بر حکم به محکومیت آرایشگر مجازات آن را به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی تبدیل می‌کردند. بنابراین این مجازات جزای نقدی به عنوان یک مجازات فرعی، می‌توانسته در مورد جرائم ناشی از عمل زیبایی نیز اعمال گردد، اما مسأله‌ای که در اینجا وجود دارد، این است که با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی و طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی جدید قضات نمی‌توانند مجازات حبس را به جزای نقدی تبدیل کنند و اساساً نمی‌توانند مجازات حبس را به بیش از یک سوم تقلیل دهند.

اما مقررات فصل نهم، این زمینه را به وجود آورده که مجازات‌هایی چون دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و محرومیت‌های اجتماعی، جایگزین مجازات حبس شوند. اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در جرائم غیر عمدی (که ماده ۶۱۶ نیز تحت شمول آن قرار می‌گیرد)، در ماده ۶۸ مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است، البته تا کمی پیش از این، عدم تصویب آییننامه‌ای که هیأت وزیران مکلف بوده به موجب ماده ۷۹ قانون جدید، ظرف مدت سه ماه پس از اجرای قانون آن را تصویب و به مورد اجرا بگذارد و اجرای مقررات فصل مزبور نیز منوط به آن بوده، موجب شده بود که قضات محاکم نتوانند مجازات‌های جایگزین را در مورد

مجازات حبس، اعمال کنند، لیکن در حال حاضر و با توجه به تصویب آیین‌نامه اجرای ماده ۷۹ ق.م.ا. (روزنامه رسمی، سال هفتم، شماره ۲۰۲۴۶، ۱۷ شهریور ۱۳۹۳) امکان جایگزین نمودن مجازات حبس در جرائم غیر عمدی (از جمله جنایت ناشی از اعمال جراحی زیبایی) با جریمه نقدی و سایر موارد مذکور وجود دارد.

مجازات حبس

همان‌طور که پیش از این هم عنوان شد، بر اساس ماده ۶۱۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی، کماکان قابلیت اجرایی دارد، «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد، مگر این که خطای محض باشد» و در تبصره آن، قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی را از شمول حکم مقرر در این ماده مستثنی نموده است.

این قاعده از حیث نادیده گرفتن شئون حرفه طبابت و جعل کیفر سنگین حبس، برای فعل غیر عمدی آرایشگر که در نتیجه عمل خیرخواهانه او و ادای تکلیفش به وقوع پیوسته، قابل انتقاد به نظر می‌رسد، اما آنچه که در ماده فوق بسیار حائز اهمیت و توجه است اینکه می‌توان از آن به عنوان اهرمی برای فشار بر کسانی که بدون علم و تجربه کافی مبادرت به جراحی‌های زیبایی به عنوان اعمال آرایشگری غیر اورژانسی و غیر ضروری (لااقل از حیث جسمانی) می‌نمایند و جان دیگران را به خطر می‌اندازند، استفاده نمود. بدون تردید وضعیت بغرنجی که در مورد تعداد بالای شکایات ناشی از اعمال جراحی زیبایی و ترمیمی وجود دارد و همچنین اوصافی که این جراحی‌ها دارند، خصوصاً از حیث عدم ضرورت آن‌ها و رعایت نمودن قاعده تناسب و تعهد تشدید یافته آرایشگری در بسیاری موارد و به مخاطره انداختن جان افراد، می‌توان از این مجازات برای کنترل این رفتارها بهره گرفت.

بنابراین اگرچه در حال حاضر امکان تبدیل این مجازات به جزای نقدی (وفق ماده ۶۸ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) وجود خواهد داشت، لیکن رویه قضایی می‌تواند با بهره‌گیری از قسمت دوم ماده، در مواردی که جراحی زیبایی بدون ضرورت و با تقصیر سنگین ارتکاب یافته و منجر به جنایت بر شخصی شده است، حکم به حبس آرایشگر خاطی نماید.

علاوه بر این، مجازات حبس دیگری که به طور خاص در رابطه با فعالیت جراحان زیبایی و همکاران آن‌ها می‌تواند مطرح باشد، مجازات مقرر در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که مطابق آن، «اطبا، جراحان، ماماها، داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و... محکوم می‌شوند.»

مجازات‌های انتظامی

مجازات‌های حرفه‌ای یا انتظامی، همان‌گونه که از نامش پیداست، به مناسب حرفه افراد و شغل آن‌ها و به جهت حفظ نظم و تنبیه خاطیان، بر ناقضان اصول و قواعد موجود در یک صنف، تحمیل می‌شود. به عبارت دیگر «مسئولیت انتظامی ناشی از تخلفات انتظامی مربوط به یک صنف خاص» است. تنبیهات و مجازات‌هایی که در نتیجه مسئولیت انتظامی به اجرا در می‌آیند، می‌تواند از سوی دولت به معنای عام خود و در قوانین عام پیش‌بینی گردند یا این‌که به نمایندگی از دولت و از سوی متولیان صنف مربوطه وضع و اجرا شود.

در این رابطه، مجازات مهم و موثری که در مورد جرائم و تخلفات آرایشگری اعمال می‌گردد، محرومیت‌های قانونی و انفصال موقت یا دائم پزشکان از اشتغال در حرف آرایشگری و یا تعطیلی موقت یا دائم مؤسسات آرایشگری است.

البته انفصال از خدمات دولتی و عمومی به طور عام از جمله مجازات‌های تعزیری مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ میباشد که جرائم مختلفی می‌توانند موجب استحقاق تحمل این کیفر شوند، اما آنچه که در مورد محرومیت و انفصال موقت و دائم پزشکان و تعطیلی مؤسسات آرایشگری در حیطه اعمال آرایشگری، به طور خاص و در رابطه با انجام وظایف آن‌ها، وجود دارد، در قالب مجازات‌های

انتظامی و در قوانین و مقررات آرایشگری قرار داده شده‌اند و در بسیاری از موارد مسؤولیت کیفری و محکومیت پزشکان، همزمان می‌تواند این مجازات‌های انتظامی را نیز برای آن‌ها در برداشته باشد.

مسئله‌ای که می‌توان در اینجا ذکر کرد این است که این قوانین و مقررات آرایشگری که عمدتاً در رابطه با مسؤولیت انتظامی پزشکان میباشند در مورد کسانی که در حیطه اعمال جراحی زیبایی فعالیت کنند نیز قابل اجراست، لیکن شایسته است که با توجه به حساسیت و جرم‌زا بودن این اعمال، به آن‌ها توجه بیشتری شده و با در نظر گرفتن محرومیت و انفصال از مشاغل آرایشگری برای کسانی که ضوابط حرفه‌ای را در این اعمال رعایت نمی‌نمایند، قدم مناسبی در جهت حل بخشی از مشکلات موجود برداشته شود.

نتیجه‌گیری

جبران خسارات افراد صدمه دیده ناشی از عمل آرایشگری از طریق اعاده وضع به سابق یا جبران عینی و گاه از طریق مرحله بعدی یعنی جبران مثلی، ممکن است. بنابراین، در این موارد، در صورت اثبات این امکان، نوبت به مرحله سوم یعنی جبران قیمی و مصداق آن یعنی «دیه» نمی‌رسد. البته این به معنای تغییر حکم دیه نبوده و با توجه به امضائی بودن آن و امکان تغییر آن بر حسب تغییر شرایط، زمان و مکان منافاتی با دائمی بودن احکام شرعی ندارد. در واقع، تغییر ناظر به موضوع است نه حکم در مورد موضوعات، تاکنون، اجرای روش‌های اول و دوم یعنی دو روش مقدم به حکم عقل و شرع امکان پذیر نبوده، و به ناچار، مرحله سوم اجرا می‌شده است ولی امکان اجرای مراحل سابق در زمان دیگر با این امر منافاتی ندارد. البته شایان ذکر است که اولاً - نهاد دیه به لحاظ آن که روش یکسانی برای موارد نزدیک به هم لحاظ نموده و از قبل، میزان خسارت را معین کرده، نهادی کاملاً ارزشمند و منطقی است و سریع‌تر از نگاه شخصی به جنایات و ارزیابی موردی، می‌تواند حقوق خسارت دیه را تأمین نماید؛ ثانیاً - مراجعه به مراحل پیشین، تنها ناظر به صورت اثبات امکان آن است و گرنه هنوز بهترین و عاقلانه‌ترین روش جبران، همان پرداخت دیه است؛ ثالثاً - در صورتی که بخشی از عضو یا منفعت یا هر دو یا یکی

از آن دو، درمان پذیر نباشد، به همان نسبت همچنان دیه بهترین روش جبران است؛ رابعاً - دیه، در طول درمان عضو و منفعت آن است و اگر درمان با هزینه ای کمتر از دیه صورت پذیرد، نمی توان میان هزینه‌های درمانی و دیه جمع کرد و باید به جبران مقدم یعنی درمان اکتفا نمود. البته، اگر با وجود صرف هزینه، عضو یا منفعت آن هیچ گونه بهبودی نیابد، حکم، صرفاً پرداخت دیه است و این هزینه‌ها قابل مطالبه نیست. در مقابل، حتی اگر درمان، منوط به هزینه‌های فوق العاده باشد، می‌توان عامل را به تأدیه آن ملزم نمود.

منابع و مأخذ

۱. اشرف نیا، حمید، ۱۳۸۸، متعادل سازی چهره، نشر طاق بستان، چاپ دوم.
۲. بجنوردی، حسن، ۱۴۱۰، القواعد الفقهیه، قم، نشر اسماعیلیان.
۳. بغدادی، محمد بن حبیب، ۱۳۶۱ق، المحبر، بی‌جا، مطبعه الدائره.
۴. پروین، فرهاد، ۱۳۸۰، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۸ق، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. حسینی روحانی، محمد صادق، ۱۴۱۴، فقه الصادق، قم: موسسه درا الکتاب.
۷. خزعلی، پریچهر، اسلامی، افشین، ۱۳۹۳، دیه نقص عضو و ارش در رفتگی مفاصل و اندام فوقانی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۸. دریاباری، سید محمد زمان. ۱۳۸۰. عوامل رافعه مسئولیت پزشک. روزنامه ایران.
۹. رضایی، محمود، ۱۳۹۲، جداول محاسباتی مقادیر دیات، نشر تک نقش، تهران.
۱۰. شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۳۵۰.
۱۱. شهابی خراسانی، میرزا محمود، ۱۳۹۰، قواعد فقه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۳، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه اسماعیلیان.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۳ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسماعیلیان.
۱۴. عباسی، محمود، ۱۳۸۹، حقوق جزای پزشکی، تهران، سینا.
۱۵. علی، جواد، ۱۹۷۸م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد و بیروت، مکتبه النهضه و دارالعلم للملایین، چاپ دوم.
۱۶. فیض، علیرضا، ۱۳۸۴، عرف عقلا، تهران، برهان و عرفان، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۷. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۸۸، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، نشر میزان.

۱۸. قلقشندی، احمد بن علی، بی تا، صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مدنی الزمات خارج از قرارداد. (ضمان قهری) دانشگاه تهران، چاپ اول.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵هـ.ق، القواعد الفقهیة، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، چاپ اول، قم.